





نمایش خلاق نیاز امروز دبیر هنر

رشد آموزش هنر |

اشاره

نمایش خلاق یکی از راهکارهای تربیتی و هنری مهم در دوره فعلی است. هیجانی که در نمایش خلاق به وجود می‌آید بیش از همه دانش‌آموزان را به وجد می‌آورد و حس زیباشناختی آن‌ها را تلطیف می‌کند. این شیوه هنری در عرصه هنرهای نمایشی به طور ویژه در مناطقی که آسیب‌های طبیعی و اجتماعی موجب آزردن دانش‌آموزان شده، کارایی بالایی خود را نشان داده است. ترمیم روحی و روانی و متعادل کردن مخاطبان از مزایای کاربردی این تکنیک هنری ارزنده است. به همین سان در مدرسه با این روش دانش‌آموزان برای ترغیب به هنرهای نمایشی آماده می‌شوند و نوعی دست‌ورزی اولیه برای آنان به شمار می‌رود. با توجه به نیازهای آموزشی و موضوع توانمندسازی دبیران هنر باید یادآور شویم که امروزه هیچ دبیر هنری از آگاهی و تسلط بر جزئیات «نمایش خلاق در کلاس» بی‌نیاز نیست. گزارش زیر شامل آشنایی با این تکنیک به توسط یکی از کارآزموده‌ترین کارشناسان این رشته یعنی «دکتر یدالله عباسی» است. این کارگاه برای دبیران هنر در شهر کرمان برگزار شده و امید آن که مقدمه‌ای برای برپایی کارگاه‌های مشابه در سطح سایر استان‌ها باشد. لحن صمیمانه و محاوره‌ای گزارش به خاطر اصالت و فضای کارگاهی حفظ شده است.

نمایش خلاق، نمایشی تربیتی و فرآیندی است. محصول نهایی ندارد و هدف صرفاً پرورش مهارت دست‌اندرکاران است. در همه هنرها عنصر خلاقیت وجود دارد اما اصطلاحاً به این نمایش تربیتی و فرآیندی اطلاق می‌شود. تفاوت آن با تئاتر این است که در تئاتر تلاش می‌کنیم و محصول نهایی را به صورت اجرا برای تماشاگران داریم. اما در نمایش خلاق هدف اصلی فرایند کار است نه اجرا و همه افرادی که شرکت دارند نقش بازیگر، تماشاگر و منتقد را ایفا می‌کنند که همین سبب ایجاد انسجام در فن بیان آن‌ها خواهد شد. هم چنین باعث می‌شود که در موقعیت‌های مختلف واکنش‌های



متناسب نشان دهند. همه توانایی‌هایی که بازیگران در تئاتر بدست خواهند آورد در نمایش خلاق هم پرورش خواهد یافت.

فلسفه و ضرورت وجود نمایش خلاق در این سؤال است که چرا همه نباید توانایی بازیگران را داشته باشند. یک بازیگر باید فن بیان درستی داشته باشد و وقتی در مقابل جمع قرار خواهد گرفت نباید مضطرب شود و خود را بیازد. بلکه باید توانایی این را داشته باشد که مفهوم مورد نظر را در جمله‌های متناسب بیان کند و حشو و اضافه در جملاتش وجود نداشته باشد.

باشد. اولین درس در بازیگری رهایی عضلات است. حنجره در هنگام سخنرانی دچار گرفتگی می‌شود و دهان خشک می‌شود به همین دلیل است که برای سخنران یک لیوان آب می‌آورند. سخنران که هنگام صحبت تشنه نمی‌شود. بلکه گلویش به خاطر گرفتگی عضلات خشک می‌شود. اگر تمرین رهایی عضلات برای بازیگر انجام شود دچار این مشکل نخواهد شد.

هر بازیگری باید توانایی آن را داشته باشد که تن صدایش را برای محیط‌های متفاوت متناسب کند. برای مثال تنظیم صدا برای سالنی شامل ۴۰۰ نفر با سالنی شامل ۱۵ نفر متفاوت انجام می‌شود.

ارتباط، درک، تحلیل و... همه جز توانایی‌های مورد نیاز برای یک بازیگر است.

زمانی رسید که من با خودم گفتم: چرا همه مردم نباید این توانایی‌ها را داشته باشند؟ چرا این توانایی‌ها صرفاً در انحصار بازیگران است؟

بنابراین آدم و روی نمایش خلاق که از قبل در سراسر دنیا وجود داشته، کار کردم. پیش از این در ایران، همه در مورد تئاتر خلاق صحبت می‌کردند و نه نمایش خلاق!

نمایش خلاق، نمایشی فرآیندی است و فرآیند کار در این‌جا اهمیت دارد. برای مثال یک گروه تئاتر ۶ ماه تمرین می‌کند، این ۶ ماه فرآیندی است که در آن روی صدا، حافظه، حرکات بدن، تحلیل متن، اجرا و... کار می‌شود. بعد از طی مسیر فرآیند، سراغ اجرای محصول نهایی می‌رود. اما در نمایش خلاق ما تنها فرآیند را می‌خواهیم و برای ما بازیگر شدن بچه‌ها در اولویت نیست. بلکه خواستار آن هستیم که همه توانایی‌های لازم از جمله درست صحبت کردن، استفاده درست از حرکات بدن، تنظیم تن صدا و کنترل استرس هنگام صحبت در جمع را کسب کرده باشند.

با مطالعه کارهایی که حول نمایش خلاق در دنیا انجام شده بود به این نکات رسیدیم و آن‌ها را در ایران به اجرا در آوردیم.

سؤال پیش خواهد آمد که راه‌حل به‌دست آوردن این توانایی‌ها از چه طریقی است؟

راه‌حل آن تمرین تئاتر است. کتاب‌هایی برای اصلاح بیان وجود دارند. یکی از نکاتی که در این باره همواره در کتاب‌ها یادآور می‌شود تمرین تنفس درست است. چراکه محلی را که قرار است انرژی اولیه صدای ما را تولید کند، تنفس صحیح،



تمام این‌ها در نتیجه هماهنگ کردن ذهن و زبان است. چرا که اگر زبان از ذهن جلوتر رود کلمه و مفهومی برای بیان پیدا نمی‌شود و گوینده دچار لکنت خواهد شد و هنگامی که ذهن از زبان جلو بزند مفهوم مورد نظر توسط زبان به شیوه صحیح بیان نخواهد شد. بنابراین بازیگر باید توانایی هماهنگی ذهن و زبان را داشته باشد.

پس بازیگر باید توانایی هماهنگ کردن ذهن و بدن را داشته باشد. بدن تابعی از ذهن است. توانایی به حافظه سپردن مطالب در ذهن نیز برای بازیگر بسیار مهم و حیاتی است. در برابر جمع بازیگر نباید به رعشه بیفتد و اصطلاحاً گرفتگی عضله نداشته



**نمایش خلاق
یک حلقه گم
شده برای تمام
سنین است.
گروه ما نمایش
خلاق را با
زندانی‌ها در
کانون اصلاح و
تربیت، معلولین
شنوایی، جسمی
و... هم کار
می‌کنند**

در سیاره دیگری فرود می‌آییم. دور و برمان همه آب است. همگی از فضا پیما بیرون آمده و به سمت آب می‌دویم. بچه‌ها بروید به طرف آب!!

آب خنک است، آب مطبوع است، خیلی دلنشین است. هیچ کس در این آب غرق نمی‌شود. بنابراین تا جایی که می‌توانید در آن غوطه بخورید و اطراف را نگاه کنید. در این آب چشمانتان اذیت نمی‌شود. سپس دوباره آن‌ها را به زمین برگرداندم. آن لحظه یکی از بچه‌ها گفت چقدر زود ما را بر گردانید! یکی گفت چقدر خنک بود آب!

این یک نمونه بازی برای تصور هدایت شده بود. با این کار ما ذهن بچه‌ها را به سوی داستانی هدایت می‌کنیم و آن مضمون را جلو می‌بریم. در نهایت اگر زمان بیشتری هم داشته باشیم می‌توانیم به هر کدام نقشی برای اجرا نمایش بدهیم. نمایشی که بعد از تمرین ۶ ماهه انجام می‌شود عیبی ندارد که در مقابل جمع هم اجرا شود. اما فکر کنید ما کودکی را که از قبل در مقابل هیچ جمعی اجرا نداشته به یک باره روی صحنه ببریم. این تجربه می‌تواند خیلی خوب یا خیلی بد باشد!

در کتابی از یک روان‌شناس بزرگ این‌گونه نقل شده بود

- هنگامی که بیماری نزد من آمد، بعد از ریشه‌یابی مشکل او متوجه شدم که در کودکی نمایشی را تماشا کرده که در آن قهرمان داستان در حال مرگ بود. راوی قصه اما به تماشاگران

تقویت خواهد کرد.

ما کتاب‌های مربوط به تمرین تئاتر را به زبان ساده‌تر و خلاصه‌تر برای بچه‌ها تنظیم کردیم. چگونگی تلفظ حروف صدادار و بی‌صدا را که در زبان‌شناسی هم گفته شده به شکل بازی با دانش‌آموزان تمرین می‌کنیم. به این شکل آن‌ها خیلی راحت با تلفظ حروف انسدادی مانند ب، غلتشی مانند ر، انفجاری مانند پ و... آشنا خواهند شد. در واقع با آن‌ها به شکلی غیر مستقیم تمرین درست صحبت کردن می‌شود.

صدا یک کیفیت فیزیکی و دارای طول، برد، ارتفاع و حجم است. صدایی که ارتفاع آن یکی باشد انرژی‌اش یکسان است. تفاوت در برد صدا می‌تواند آن را به شکل فریادی گوش خراش در بیاورد و تنظیم نبودن آن می‌تواند مخاطب را خسته کند. بنابراین ما باید روی برد صدا کار کنیم. در ضمن ما می‌توانیم به صدا حجم دهیم و صدایی که دارای حجم باشد دلنشین‌تر است و مفاهیم را بهتر می‌تواند انتقال دهد چراکه بر مخاطب تأثیرگذارتر خواهد بود.

مربی نمایش خلاق که در هفته یک ساعت فرصت تمرین با بچه‌ها را دارد حدود نیم ساعت آن را برای نرمش و گرم کردن می‌گذارد بنابراین باید فضایی داشته باشد که مناسب این کار باشد. این حرکات به شکل بازی هستند. برای مثال از بچه‌ها می‌خواهد که تصور کنند در شن، آب، آتش و... راه می‌روند. این تمرین‌ها سبب هماهنگی ذهن و بدن خواهد شد.

پانتومیم کار کردن، بداهه سازی و قرار دادن دانش‌آموز در شرایط گوناگون و گرفتن واکنش‌های طبیعی آن‌ها و اصلاح این واکنش‌ها به کمک بازی‌های مختلف از دیگر تمرین‌ها در نمایش خلاق خواهد بود. هم‌چنین بازی‌های تمرکزی و تصور هدایت شده نیز از جمله کارهایی است که در کلاس انجام می‌شود. برای مثال وقتی در زمان زلزله بم، با بچه‌ها کار می‌کردم. فضای کوچکی در اختیار ما بود، در حالی که هوا هم بسیار گرم بود. من به همراه بچه‌ها درون یک چادر نشسته بودیم. از آن‌ها خواستم چشمانشان را ببندند تا به یک سفر خیالی برویم! و در ادامه گفتم: الان در مسیر رفتن به فرودگاه هستیم که آنجا یک سفینه در انتظار ماست. سوار سفینه می‌شویم و سفینه حرکت کرده و به سمت بالا می‌رود. حالا از جو خارج می‌شویم.



بهترین خاطراتم
این است که
وقتی همکاران
و دوستانم را
می بینم آن‌ها به
من می گویند که
از نمایش خلاق
استفاده می کنند
و راضی هستند.
این موضوع
مرا خوش حال
می کند

بهبتری شوند. مدیر خوب، مدیری است که هنگامی که با او صحبت می کنید بتواند درکتان کند و مشکل شما را احساس کند. این درحالی است که خیلی از مدیران متوجه حرف شما نمی شوند و در نهایت می گویند که این مشکل شماست.

حدود ۲۰ سال پیش، وقتی نمایش خلاق را در دانشگاه تدریس می کردم، کتاب ترجمه شده فارسی نداشت به همین خاطر کتابی با این مضمون نوشتم. بعد از زلزله بم بود که از ما پرسیدند چه فعالیتی را می توانید با بچه ها انجام دهید. با توجه به اینکه کارکردن تئاتر مشکلی را از بچه ها حل نمی کرد و مردم هم در آن موقعیت و شرایط بعد از زلزله علاقه ای به تماشای تئاتر نداشتند با بچه ها و مربی های حاضر در آنجا شروع به تمرین نمایش خلاق کردم. زمانی هم که برگشتم گروهی دیگر را که آموزش یافته در این زمینه بودند، به آنجا فرستادم تا کار کردن با بچه ها را ادامه دهند. در خود بم ۷۰ نفر از مربیان را آموزش دادیم که آموزش و پرورش هم به آن‌ها کلاس می داد بنابراین در مدرسه با بچه ها کار می کردند. این فعالیت را با ۸ شهر دیگر استان در رشته های قصه گویی، نمایش خلاق، تئاتر کودکان و نوجوانان تکرار کردیم. این گونه شد که کتاب هایی که نوشته بودم رونق پیدا کرد و خوانده شد.

گفت که اگر محکم دست بزنند می توانند جلوی مرگ قهرمان داستان را بگیرند. این کودک تا جایی که توانسته بود محکم و با تمام وجود دست زده بود. اما در نهایت شخصیت قصه مرد. آن کودک تا مدت ها در ذهنش با خود فکر می کرد که اگر محکم تر دست زده بود می توانست جلوی مرگ را بگیرد و این موضوع در ذهنش مانده و بر او تأثیرات منفی گذاشته بود.

بنابراین نمایش برای روانشناسی کودک بسیار مهم است.

اگر کودکی ۶ ماه نمایش خلاق کار کرده و کارهای دیگران را هم دیده باشد و روی آن‌ها نظر بدهد و بحث و تحلیل کند این مشکلات دیگر پیش نخواهد آمد. به همین خاطر من ترجیح می دهم که بچه ها تا ۱۰ سالگی تئاتر کار نکنند بلکه نمایش خلاق کار کنند.

نمایش خلاق یک حلقه گم شده برای تمام سنین است. گروه ما نمایش خلاق را با زندانی ها در کانون اصلاح و تربیت، معلولین شنوایی، جسمی و... هم کار می کنند. اما اصل آن است که از مهد کودک تا ۱۰ سالگی نمایش خلاق کار شود.

خیلی از بچه ها از همان جا به بازیگری علاقه مند می شوند اما خیلی از آن‌ها وارد عرصه های دیگر اشتغال می شوند. در هر صورت نمایش خلاق به آن‌ها کمک می کند که معلم، مدیر یا پزشک